

**امتی‌ترین: شخصیت ایران خواندند. تأکید بر این دو اصطلاح، نشان می‌دهد که محدود کردن شهید سلیمانی به یک قهرمان ملی اشتباه است و باید با نگاه امت‌محور به این شخصیت طراز اول ایرانی تکریم‌شده شود.**

به نظر من اینها مانع‌الجمع نیست، چون ایشان که به عنوان یک ناسیونالیست ایرانی مطرح نیست. ایشان اهل کرمان است و همین کرمانی بودن، یعنی ایرانی بودن. ایشان که عرب نبوده یا مثلاً ترک یا افغانی؛ ایرانی است و این موضوع اشکالی ندارد. من قبلاً هم گفته‌ام که حاج قاسم یک فرد نیست، یک جریان است اما این جریان در یک فرد تبلور پیدا کرده است. این موضوع را در سطوح بالاتر می‌توانیم در مورد ائمه مشاهده کنیم. درست است که ائمه ما از نظر فردی خیلی ممتازند، عصمت دارند، معصوم هستند اما جریان امامت یک جریان است. ما می‌توانیم ائمه را در جریان امامت نگاه کنیم؛ یعنی هر در فردیت خودشان در نظر بگیریم و هم در جریان امامت و اینها مانع‌الجمع نیست و هر دوتایش هم یکی است.

در مورد شخص حاج قاسم، صفات خیلی خوبی داشته‌اند اما ایشان بدون انقلاب اسلامی معنا نمی‌دهد، انقلاب اسلامی هم بدون ایران معنا نمی‌دهد؛ یعنی کسانی که انقلاب اسلامی را در امت خلاصه و ایران را هم می‌کنند، اشتباه می‌کنند، چون پایگاه این انقلاب الان ایران است. شما نگاه کنید، دشمنان بیش از این که بخواهند ایران را از بین ببرند می‌خواهند انقلاب اسلامی از بین برود، ولی می‌دانند که دارند به ایران ضربه می‌زنند، چون ارتباط این دو را فهمیدند، می‌دانند اگر ایران و این پایگاه را تضعیف کنند، انقلاب اسلامی تضعیف شده و از بین می‌رود. بنابراین ما باید حواسمان باشد که تجسد انقلاب اسلامی در ایران است. شاید به یک نحوی بگوییم مثل صفویه و تشیع، نه شیعه از صفویه شروع شد نه از ایران اما در یک مقطعی در قرن دهم و یازدهم، پایگاه تشیع در دوره صفویه، ایران بود. آنهایی که می‌خواستند تشیع را نابود کنند به ایران حمله می‌کردند. شخصیت حاج قاسم هم همین‌گونه و دوجبهه است: یک وجه قهرمان ملی دارد، یک وجه بین‌المللی، این دو به نظر من مانع‌الجمع نیست؛ همان طور که خود امام خمینی (ره) هم همین‌طور است. مقام معظم رهبری هم درست است که به عنوان رهبر ایران صحبت می‌کند اما در امت اسلامی هم به خاطر آن جنبه تشیع و انقلاب اسلامی می‌توانند صحبت کنند اما طبیعتاً نفوذ ایران، نفوذ ایشان را چند برابر می‌کند.

**\* در بحث تأثیرگیری شهید سلیمانی از شخصیت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، احساس می‌کنم که بسیاری از ویژگی‌های شخصیتی شهید سلیمانی الهام گرفته از انقلاب اسلامی و رهبران این انقلاب است. آیا می‌توانیم ادعا کنیم که اگر انقلاب اسلامی نبود شاید شهید سلیمانی در این فضا مطرح نمی‌شد؟**

من یک مطلبی قبل از شهادت سردار سلیمانی در فضای مجازی منتشر کردم که بازتاب خیلی زیادی هم داشت. مضمون و تیترو مطلب این بود: «از امام قلی خان صفوی تا قاسم سلیمانی» و بلافاصله بعد از این که شهید سلیمانی اعلام کرد که داعش وجود ندارد این مطلب را منتشر کردم. نکته‌ای که من در آن یادداشت مطرح کردم این بود که وقتی رهبران بزرگ ظهور می‌کنند مثل امیرالمؤمنین، افرادی مثل مالک اشتر در کنار آنها ظهور می‌کنند و وقتی که مثلاً در اوج دوره صفویه شاه عباس حاکم می‌شود، امام قلی خان ظهور می‌کند و الان هم آیت‌الله خامنه‌ای رهبری جمهوری اسلامی را به عهده دارد که در پرتو رهبری ایشان حاج قاسم ظهور می‌کند. اگر رهبران بزرگ نباشند سردارهای بزرگ ظهور نمی‌کنند، اینها با همدیگر هستند؛ یعنی مالک اشتر قبل از امیرالمؤمنین (ع) هم مالک اشتر بود اما دیده

نمی‌شد، در نهایت یک انقلابی بود که باید با بدعت خلفا یا با باند فاسد اموی در کوفه درگیر می‌شد اما وقتی امیرالمؤمنین می‌آید در خورشید ولایت امیرالمؤمنین (ع)، مالک سپهسالار حضرت می‌شود و آن ابعاد وجودی‌اش به منصف ظهور می‌رسد به طوری که حضرت بعد از شهادتش می‌گوید: «نسبت مالک به من مثل نسبت من به پیامبر است.» که این جمله بسیار بزرگی است. یعنی ما درباره هیچ‌کدام از صحابه چنین چیزی نداریم که یک معصومی نسبت به یک غیر معصوم، یک چنین جمله مهمی بگوید. خیلی به نظر من جمله عظیمی است و بعد از جمله‌ای که درباره سلمان گفته شده که «سلمان مثلاً اهل البیت» شاید این تعبیر بالاترین تعبیر باشد؛ البته این را باید اهل فن بیان کنند، ولی این جمله، جمله خیلی بالایی است که حضرت می‌گوید. از آن طرف ما هم یک استراتژیست بزرگ در قرن دهم و یازدهم داریم که شاه عباس است که شاه بسیار بزرگ و استراتژیستی است و توانسته ایران را به چند برابر ایران فعلی برساند و دشمنان را شکست دهد. شاه عباس سردار بزرگی مثل امام قلی خان را حاکم فارس کرد، او هم از آنجا رفت بندرعباس و پرتغالی‌ها را از جزیره هرمز بیرون کرد و این کارش کار بزرگی است. بعد هم با سپاه عثمانی جنگ کرده است، عین همین کاری که یک جورهایی حاج قاسم انجام داده است. شخصیت حاج قاسم هم مثل این بزرگان است که در پرتو رهبران بزرگ ظهور می‌کنند، وگرنه اگر رهبران بزرگ نباشند، این سرداران نمی‌توانند به منصف ظهور برسند؛ یعنی استعدادهایشان به فعلیت نمی‌رسد.

**\* به جای خوبی در بحث رسیدیم؛ شما می‌فرمایید که نگاه تاریخی ماست که باعث نفوذ و اثرگذاری ما در منطقه شده است و اتفاقاً این موضوع یک امتیاز به شمار می‌رود. به نظر شما هویت ملی و تاریخی ما که در دوره صفویه به بعد شکل گرفت چقدر در شکل‌گیری شخصیت‌هایی مثل امام خمینی (ره)، آیت‌الله خامنه‌ای و شهید سلیمانی تأثیر گذاشته است؟**

چرا الان مثلاً یک رهبر مذهبی مانند آیت‌الله سیستانی که مرجع تقلید هستند یا حتی سیدحسن نصرالله یک

